



آشنایی با
مناجیح دست اول شیعه
(من لا یحضره الفقیه)

عبدالکریم پاک نیا

کتاب «من لا یحضره الفقیه» تألیف شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (متولد ۳۸۱ ه. ق)، از چهره‌های برجسته علمای شیعه در قرن چهارم هجری می‌باشد که بر اثر دعای حضرت حجّت علیه السلام متولد شده است.

این کتاب که امروزه در ۴ جلد به مشتاقان عرضه شده است مجموعه‌ای از روایات اهل بیت علیهم السلام درباره مسائل فقهی و احکام شرعی و مسائل مورد نیاز عموم را در خود جمع کرده است.

شیخ صدوق در این کتاب، روایاتی را که از دیدگاه خود صحیح و معتبر بوده جمع‌آوری نموده است. او در این مورد می‌گوید: «من در این کتاب فقط روایاتی را نقل می‌کنم که آنها را صحیح و معتبر می‌دانم و به آن فتوا می‌دهم و عقیده دارم که میان من و خداوند حجّت است.»^۱

این کتاب، عظیم‌ترین و ارزشمندترین اثر شیخ صدوق از میان بیش از ۲۴۵ کتاب او

۱. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۹۰.

می‌باشد و یکی از مهم‌ترین منابع روایی شیعه و از کتب اربعه محسوب می‌شود که در طول ۹ قرن گذشته محل مراجعه فقها و دانشمندان و سایر مشتاقان معارف اهل بیت علیهم‌السلام بوده است؛ به طوری که هیچ مجتهد و محقق از رجوع به آن بی‌نیاز نیست.^۱

«من لا یحضره الفقیه»، در عین حال که برای خواص، مجموعه‌ای فقهی است، نکته‌های اخلاقی، تربیتی، عقیدتی، تاریخی و درسهای زندگی فراوانی در بر دارد که همانند گوهرهایی ناب در این گنجینه معنوی جلوه‌نمایی می‌کند، که آشنایی با آنها، برای عموم مردم؛ به ویژه مبلغان دینی مفید و راهگشاست.

در این مجموعه گرانقدر، ۵۹۶۳ حدیث، گرد آمده که ۳۹۱۳ حدیث، مُسَنَد و ۲۰۵۰ حدیث، مُرْسَل می‌باشد. فقهای بزرگ ما به مرسلات صدوق همانند مسنداتش در این کتاب اعتماد کرده و عمل می‌کنند.

شیخ صدوق، در مورد انگیزه خود از تألیف این کتاب، می‌گوید: در مسافرتی که به سرزمین بلخ داشتم، با یکی از اولیاء خدا آشنا شدم. رفاقت با او احساس آرامش و شادمانی و فرح و نشاط خاصی را برای من فراهم می‌نمود. چرا که وی، فردی متقی، متعهد، عالم به احکام دین، و معروف به «سید نعمت» بود. «سید نعمت»، روزی به من گفت: «محمد بن زکریای رازی» برای کسانی که در موقع احتیاج به طبیب، طبیب در دسترس ندارند؛ کتابی در علم طب نگاشته است. و آن را «من لا یحضره الطیب» نام نهاده است. و آن کتاب در موضوع خود، با وجود حجم کم، جامع و وافق و کافی و پرفایده است و همگان در حد نیاز خود از آن بهره‌مند می‌گردند. و از من خواست که من هم کتابی در موضوع فقه و شرایع و احکام به گونه‌ای جامع و کامل بنویسم و نامش را «کتاب من لا یحضره الفقیه» (کتاب برای کسانی که به فقیه دسترسی ندارند) بنامم.^۲

۱. مقدمه من لا یحضره الفقیه، حیاة الرئیس المحدثین، جمعی از محققین، ص ۵۸.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۰.

موضوعات کتاب

مسئلهٔ آنها و بهداشت فردی و اجتماعی، نماز، روزه، زکات و سایر مسائل مالی، احکام قضاوت و دادگستری و شرائط قاضی، انواع مشاغل، مکاسب و معاملات، احکام ازدواج و طلاق و سایر مسائل خانواده، احکام ارث و میراث، حج و سفرهای زیارتی و آداب سفرهای واجب و غیرواجب، بحث گناهان کبیره و صغیره، حدود و مجازاتهای شرعی، وصیت و... از موضوعات مطرح شده در این کتاب گرانسنگ می باشد.

از منظر اهل نظر

علامه بحرالعلوم بعد از تجلیل فراوان از مقام بلند شیخ صدوق می فرماید: برخی از اصحاب بزرگوار ما احادیث کتاب «من لا یحضره الفقیه» را بر سایر کتب اربعه مقدم می دارند و این به علت این است که:

۱. مؤلف آن حافظه قوی و کم نظیری در زمینه حفظ احادیث داشته است؛
۲. بعد از کتاب کافی و با تأملات بیش تری تدوین شده است؛
۳. شیخ صدوق صحت روایات آن را تضمین کرده است. به همین دلایل، مراسیل آن را همانند مسانید پذیرفته اند.^۱

مشيخة الفقيه

شیخ صدوق در آخر این کتاب، بخشی را به نام «مشيخة الفقيه» آورده و در آن اسناد خود را بیان کرده است؛ به این صورت که در متن کتاب فقط نام راوی اولی را که روایت را از امام علیه السلام نقل می کند آورده و در بخش «مشيخة» سند خود را به آن راوی نقل می کند تا روایات از حالت ارسال خارج شده و مسند شوند.

این بخش از کتاب، بسیار مورد توجه علمای شیعه قرار گرفته است و شرحهای

۱. الفوائد الرجالية، سید بحرالعلوم (سید مهدی طباطبائی)، نشر مکتبه الصادق، تهران، ۱۳۶۳ ش، ج ۳،

فراوانی نیز بر آن نگاشته‌اند که خود از منابع غنی و پر بار علم رجال به شمار می‌آید. «ترتیب مشیخه من لایحضره الفقیه» نوشته صاحب معالم، از معروف‌ترین آنهاست.

نگاهی کوتاه به شخصیت مؤلف

او شخصیتی است که به دعای امام زمان علیه السلام متولد شد. نجاشی، شخصیت نگار برجسته، در این باره می‌نویسد: پدر صدوق صاحب فرزندی نشده بود. به محضر امام علیه السلام نامه نوشته و التماس دعا کرد. از ناحیه مقدسه برایش پاسخ آمد که: «قَدْ دَعَوْنَا اللَّهَ لَكَ بِذَلِكَ وَ سَتُرْزَقُ وَلَدَيْنِ ذَكَرَيْنِ خَيْرَيْنِ!»؛ ما از درگاه الهی حاجت ترا خواستیم [انشاءالله] به زودی دو پسر نیکوکار روزیت خواهد شد.»

محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق» در سال ۳۰۶ ق در شهر مقدس قم متولد شد و در سال ۳۸۱ ق در شهر ری وفات یافت. او در عرصه علم و دانش به درجه‌ای رسید که موافق و مخالف را به تحیر واداشت.

شیخ طوسی در معرفی شیخ صدوق می‌گوید: «او دانشمندی جلیل القدر و حافظ احادیث بود. از احوال رجال، کاملاً آگاه و در عرصه احادیث، نقادی عالی مقام به شمار می‌آمد. در میان بزرگان قم، از نظر حفظ احادیث و کثرت معلومات، مانند نداشت و در حدود سیصد کتاب نوشته است.»^۲

۲. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. رجال نجاشی، احمد بن علی نجاشی، نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۶۱.

۲. الفهرست، شیخ طوسی، نشر المرتضویه، نجف، ص ۱۵۶.